

هفت خان رستم



اهریمنی: شیطانی

کیکاووس: یکی از پادشاهان ایرانی

قوی پنجه: دلیر، قوی ≠ ترسو، ضعیف

نخجیر: شکار، صید

بدین سان: این گونه

به تنگ آمدن: کنایه از بی‌طاقت و بی‌صبر شدن

از پای درآوردن: کنایه از نابود کردن

از هفت خان گذشتن: کنایه از پشت سر گذاشتن سختی‌ها

سهمگین: ترسناک

تیغ: شمشیر

نیرنگ: فریب، حيله

کمند: ریسمان، طناب، بند

جادوان: جادوگران

آذر گشسب: آتش‌تند و تیز، نام یکی از سه آتش مقدّس و نیز نام یکی از پهلوانان، در شاهنامه کنایه از هر چیز مورد ستایش و نیایش است.

یال: موهای بلند پشت گردن اسب

به کردار: مانند، مثل

یزدان: خداوند

داور: قاضی

دادگر: عادل

گردی: پهلوانی، دلیری

دستگاه: قدرت، نیرو، عظمت، شکوه

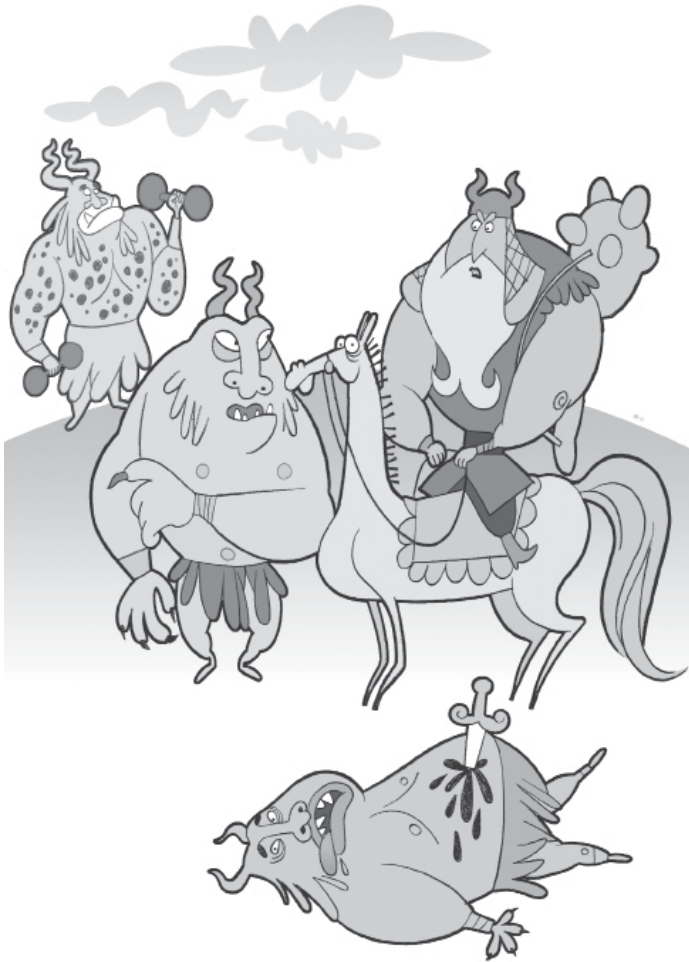


ارژنگ دیو

- ارژنگ، نام یکی از سرداران دیو سپید بود.

- ششمین خان رستم، جنگ با ارژنگ دیو است.

- اولاد، رستم را به محل دیو سپید برد، وقتی به آنجا رسیدند رستم متوجه شد یکی از سرداران دیو سپید به نام ارژنگ، مأمور نگهبانی از کاووس است، رستم ارژنگ را از بین برد و سپاهیان از ترس پراکنده شدند.



رستم

- پهلوان ایرانی، پسر زال و رودابه بود.
- تمام عمر او به پهلوانی گذشت و در تنگناها به کمک شاهان و شاهزادگان ایرانی می‌شتافت.
- کاووس را دوبار نجات داد، بیژن را از چاه نجات داد، کینه‌ی مرگ سیاوش را به دل گرفت، با اسفندیار جنگید و سرانجام با دسیسه‌ی برادرش شغاد کشته شد.

دیو سفید

- در خان هفتم رستم و اولاد به هفت کوه محل زندگی دیو سفید رسیدند.
- دیو سفید با سنگ آسیاب و کلاه‌خود و زره آهنی به جنگ رستم رفت.
- رستم با او جنگید و سرانجام پیروز شد و جگر دیو سفید را در آورد. سایر دیوان با دیدن این صحنه فرار کردند و با چکاندن خون دیو سفید در چشمان کاووس و سپاهیان ایران، همگی بینایی خود را باز یافتند.

رخش

- نام اسب رستم، قهرمان شاهنامه است.
- رخش به معنی رنگ سرخ و سفید مخلوط شده است.
- بدن رخش دارای لکه‌های قرمز و زرد و سفید بوده است.

اولاد دیو

- نام دیوی است که در خان پنجم، رستم با وی و سپاهیانش مواجه می‌شود و آن‌ها را تار و مار می‌کند.
- رستم به وی می‌گوید اگر محل دیو سفید را به او نشان دهد، او را شاه مازندران خواهد کرد، در غیر این صورت او را خواهد کشت.
- اولاد نیز محل دیو سفید را به رستم نشان داد.

یادآوری:

آرایه: به معنی آرایش است و به زیورها و زینت‌هایی گفته می‌شود که شاعران و نویسندگان در نثر یا شعر خود به کار می‌برند و اثر خود را زیبا می‌کنند. به این آرایه‌ها «صنعت ادبی» یا «عنصر ادبی» نیز گفته می‌شود. تعدادی از این آرایه‌های مهم عبارتند از: تشبیه، تشخیص، تمثیل، تناسب، تضاد، مبالغه و ...

آرایه‌ی مبالغه (زیاده روی کردن):

هرگاه نویسنده در نوشته و کلام خود اتفاقی غیرممکن را ممکن نشان دهد و یا بزرگ‌نمایی خارج از عقل و منطق انجام دهد، می‌گوییم «مبالغه» کرده است. «مبالغه» آرایه‌ای است که بیش‌تر در شعرهای حماسی به کار می‌رود؛ مانند: شاهنامه‌ی فردوسی.

«خروشید و جوشید و بر کند خاک	ز سمش زمین شد همه چاک چاک»
«بزد تیغ و بنداخت از بر سرش	فرو ریخت چون رود خون از برش»
«چو نه ماهه شد هم چو یک سال بود	برش چون بر رستم زال بود»

آرایه‌ی کنایه (پوشیده حرف زدن):

گاهی گوینده برای این که مطلبی را به صورت پنهانی و پوشیده به مخاطب خود بگوید از عبارتی به نام «کنایه» استفاده می‌کند. «کنایه» به عبارتی می‌گویند که دارای دو معنی دور و نزدیک است که معنی نزدیک گفته می‌شود اما معنی دور آن مورد نظر است و مخاطب نیز خود به معنی دور آن پی می‌برد؛ مانند:

از هفت خان رستم گذشتن = دشواری‌ها را پشت سر گذاشتن
به تنگ آمدن = خسته و بی‌حوصله شدن

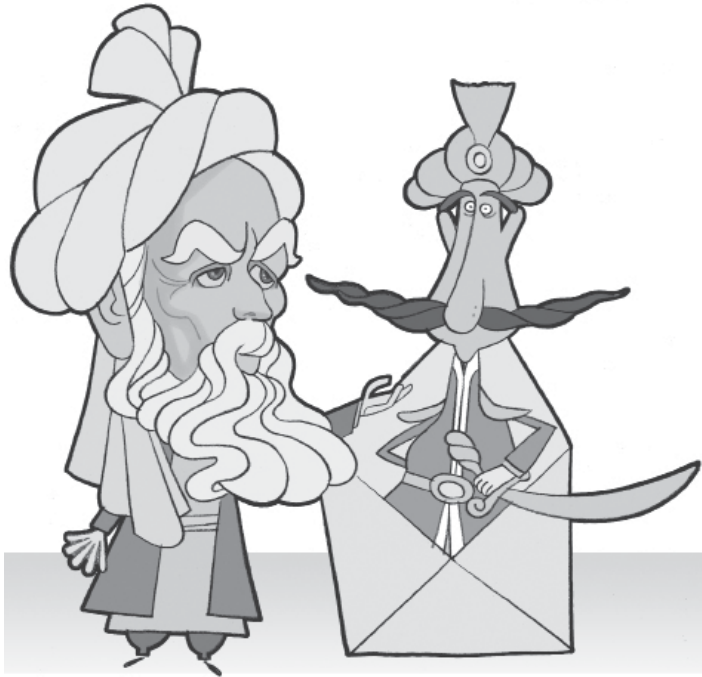
از پای در آوردن = شکست دادن و نابود کردن
 پا در کفش کسی کردن = در کار کسی دخالت کردن
 دست در دامن کسی زدن = خواهش و التماس کردن
 دل به دریا زدن = اقدام کردن
 پا از گلیم خود دراز کردن = بیش‌تر از حق خود خواستن



تاریخ ادبیات:

«ابوالقاسم فردوسی»

- فردوسی در سال ۳۲۹ (ه. ق) در توس متولد شد.
 - از دهقانان و ایرانیان اصیل بود و به زبان فارسی
 دلبسته بود.
 - ابتدا زندگی مرفه و راحتی داشت اما همه را در پای
 نظم شاهنامه گذاشت.
 - اثر برجسته‌ی او «شاهنامه» سند هویت و شناسنامه‌ی
 ایران و ایرانیان است.
 - شاهنامه دارای ۶۰ هزار بیت است و در قالب مثنوی
 سروده شده است و شامل داستان‌های حماسی و
 اساطیری ایران می‌باشد.



معنی ابیات درس

«خروشید و جوشید و برکنند خاک ز سَمّش زمین شد همه، چاک چاک»
 معنی: رخس شیهه کشید و خشمناک شد و خاک را کند، بر اثر ضربه‌های سمّ رخس، زمین تکه تکه شد.

واژه }
 خروشیدن: بانگ و فریاد زدن
 جوشیدن: به جوشش آمدن
 چاک چاک: تکه تکه

تعداد جمله ← ۴ جمله (۴ فعل) خروشید و جوشید و خاک را برکنند، از سَمّش زمین همه چاک چاک شد.
 آرایه ← مبالغه در تکه تکه شدن زمین زیر سم رخس

«بزد تیغ و بنداخت از بر، سرش فرو ریخت چون رود، خون از برش»
 معنی: رستم با شمشیر سر او را از بدنش جدا کرد و خون، مانند رود از بدن او روان شد.

واژه }
 تیغ: شمشیر
 بر: سینه، آغوش

تعداد جمله ← ۳ جمله (۳ فعل) تیغ بزد و سر را از برش بنداخت و خون از برش چون رود فرو ریخت.
 آرایه ← تشبیه خون به رود

مشبه: خون

مشبه‌به: رود

وجه شبه: حذف شده (فراوانی خون)

ادات تشبیه: چون

«بینداخت چون باد، خمّ کمند سر جادو آورد ناگه به بند»
معنی: رستم پیچ و تاب ریسمان را سریع به طرف جادوگر پرتاب کرد و او را به بند کشید.

واژه — **خم:** پیچ و تاب
کمند: ریسمان، طناب، بند
جادو: جادوگر، افسونگر

تعداد جمله ← ۲ جمله (۲ فعل) چون باد خم کمند بینداخت و سر جادو را ناگه به بند آورد.
 آرایه ← ۱- تشبیه خم کمند به باد

مشبه: خم کمند

مشبه به: باد

وجه شبه: حذف شده (سرعت انداختن کمند)

ادات تشبیه: چون

۲- مبالغه در انداختن کمند

«میانش به خنجر به دو نیم کرد دل جادوان زو پر از بیم کرد»
معنی: رستم ازدها را با خنجر از وسط دو قسمت کرد و باعث شد که همه‌ی جادوگران از این کار دچار وحشت شوند.

واژه — **خنجر:** سلاحی به اندازه‌ی کارد که نوک تیز دارد.
بیم: ترس

تعداد جمله ← ۲ جمله (۲ فعل) میانش به خنجر به دو نیم کرد و دل جادوان زو پر از بیم کرد.

«چو رستم بدیدش بر انگیخت اسب بدو تاخت مانند آذر گشسب»

معنی: رستم وقتی او را دید اسبش را به حرکت درآورد و مانند آتش تند و تیز به او حمله کرد.

واژه — **تاختن:** دویدن، هجوم بردن

آذر گشسب: آتش تند و تیز، نام یکی از سه آتش مقدس، نام یکی از پهلوانان شاهنامه و کنایه از هر چیز مورد نیایش و ستایش

تعداد جمله ← ۳ جمله (۳ فعل) چو رستم بدیدش، اسب را برانگیخت و مانند آذر گشسب به او تاخت.
 آرایه ← تشبیه رستم به آذر گشسب

مشبه: رستم

مشبه به: آذر گشسب

وجه شبه: حذف شده (سرعت رفتن رستم)

ادات تشبیه: مانند

«سر و گوش بگرفت و یالش دلیر سر از تن بکنش به کردار شیر»
معنی: رستم سر و گوش و یال ارژنگ دیو را گرفت و مانند یک شیر قوی سر دیو را از تنش جدا کرد.

واژه ← **یال:** موی گردن اسب

تعداد جمله ← ۲ جمله (۲ فعل): سر و گوش و یال را دلیرانه گرفت و سر او را از تن به کردار شیر کند.

آرایه ← ۱- تشبیه رستم به شیر

مشبه: رستم

مشبه به: شیر

وجه شبه: دلاوری و شجاعت

ادات تشبیه: به کردار

۲- آرایه‌ی تناسب یا شبکه‌ی معنایی بین کلمه‌های: سر، گوش، یال

«ز بهر نیایش سر و تن بشست یکی پاک جای پرستش بجست»

معنی: رستم برای راز و نیاز با خدا خود را شست و شو داد و به دنبال جای تمیزی گشت.

واژه ← **نیایش و ستایش:** دعا و پرستش

تعداد جمله ← ۲ جمله (۲ فعل) ز بهر نیایش سر و تن بشست و یکی پاک جای پرستش بجست.

«از آن پس نهاد از بر خاک، سر چنین گفت: کای داور دادگر»

معنی: رستم بعد از آن سر بر روی خاک نهاد و این‌گونه گفت: که ای خدای عادل!

واژه } داور: قاضی
دادگر: عادل

تعداد جمله ← ۳ جمله (۱ منادا و ۲ فعل) از آن پس بر خاک سر نهاد و چنین گفت: ای داور دادگر (منادا) آرایه ← کنایه: بر خاک سر نهادن کنایه از فروتنی و فرمان برداری است.

«ز هر بد، تویی بندگان را پناه تو دادی مرا گردی و دستگاه»
معنی: ای خدای عادل! تو در برابر اتفاقات بد پناهگاه بندگان هستی و تو به من پهلوانی و قدرت بخشیده‌ای.

واژه } گردی: پهلوانی
دستگاه: نیرو، قدرت، شوکت

تعداد جمله ← ۲ جمله (۲ فعل) تو بندگان را از هر بد پناه هستی و تو به من گردی و دستگاه دادی.

نکته: هفت‌خان رستم عبارتند از: ۱- جنگ رستم و رخس با شیر، ۲- گذشتن از بیابان سخت و یافتن چشمه‌ی آب ۳- نبرد با ازدها ۴- جنگ با زن جادوگر ۵- جنگ با اولاد دیو ۶- جنگ با ارژنگ دیو ۷- نبرد با دیو سپید و کشتن او.

حکایت



ادب لقمان

بر گرفته از: باب دوم گلستان سعدی
«مفهوم اخلاقی حکایت»: یکی از راه‌های با ادب شدن پرهیز از اعمال بدی است که انسان‌های بی‌ادب انجام می‌دهند.
لقمان را گفتند: ادب از که آموختی؟
گفت: از بی‌ادبان؛ هر چه از ایشان در نظرم ناپسند می‌آمد، من از آن عمل، دوری می‌کردم.

کلمه‌های مهم:

نظر: نگاه

ناپسند: زشت، نکوهیده ≠ پسندیده ، خوب
عمل: انجام کار

بخوان و بیندیش



نام: دوستان هم‌دل
بر گرفته از: کتاب جایزه
نوشته‌ی: محمدرضا سرشار (رهگذر)
«مفهوم کلی»: همدلی از هم‌زبانی بهتر است.

کلمه‌های مهم:

غریب: ناآشنا، بیگانه ≠ آشنا
همهمه: فریاد، سر و صدا
تعجب: شگفتی، حیرت
ذوق زده: خیلی خوش‌حال
نصیحت: پند، اندرز
دستپاچگی: هول شدن
غلط: اشتباه، خطا ≠ صواب، درست
هورا: فریاد شادی
اتحاد: هم‌بستگی داشتن، یکی شدن

پرسش‌های چهارگزینه‌ای



- ۱- آرایه‌ی «مبالغه» در کدام یک از کتاب‌های زیر بیش‌تر استفاده شده است؟
 (۱) دیوان سعدی (۲) شاهنامه‌ی فردوسی (۳) مثنوی مولوی (۴) بوستان سعدی
- ۲- در بیت زیر چه «آرایه‌ای» به کار رفته است؟
 «چون‌ه ماهه شد هم چو یک سال بود برش چون بر رستم زال بود»
 (۱) تمثیل (۲) تشخیص (۳) مبالغه (۴) کنایه
- ۳- با توجه به جمله‌های (فتاد از پای، کرد از عجز فریاد) (بینداخت چون باد خمّ کمند) (زبان سرخ، سر سبز می‌دهد بر باد) ترتیب عناصر ادبی در کدام گزینه درست است؟
 (۱) مبالغه - کنایه - ضرب‌المثل (۲) کنایه - ضرب‌المثل - مبالغه
 (۳) کنایه - مبالغه - ضرب‌المثل (۴) ضرب‌المثل - مبالغه - کنایه
 (تیزهوشان - ۹۲)
- ۴- کدام یک از بیت‌های زیر «ردیف» دارد؟
 (۱) بینداخت چون باد خمّ کمند (۲) سر جادو آورد ناگه به بند
 (۳) سر و گوش بگرفت و یالش دلیر (۴) سر از تن بکنش به کردار شیر
 (۵) میانش به خنجر به دو نیم کرد (۶) دل جادوان زو پر از بیم کرد
 (۷) خروشید و جوشید و برکند خاک (۸) ز سمّش زمین شد همه چاک چاک
- ۵- در کدام گزینه، آرایه‌ی «کنایه» به کار نرفته است؟
 (۱) بار سوم رخس به تنگ می‌آید و رستم را بیدار می‌کند.
 (۲) رخس دیوها را از پای در می‌آورد و پیروز می‌شود.
 (۳) رستم به کمک اولاد بر ارژنگ دیو چیره می‌شود.
 (۴) بالاخره توانستم از هفت خان رستم بگذرم.
- ۶- عبارت زیر «چند جمله» است؟
 «لقمان را گفتند: ادب از که آموختی؟ گفت: از بی ادبان، هرچه از ایشان در نظرم ناپسند می‌آمد، من از آن عمل دوری می‌کردم.»
 (۱) ۴ جمله (۲) ۵ جمله (۳) ۶ جمله (۴) ۷ جمله
- ۷- حکایت «ادب لقمان» برگرفته از کدام کتاب است؟
 (۱) بوستان سعدی (۲) گلستان سعدی (۳) مثنوی مولوی (۴) الهی نامه عطار
- ۸- در کدام گزینه «منادا» وجود دارد؟
 (۱) ز هر بد تویی بندگان را پناه (۲) تو دادی مرا گردی و دستگاه
 (۳) از آن پس نهاد از بر خاک سر (۴) چنین گفت: کای داور دادگر
 (۵) میانش به خنجر به دو نیم کرد (۶) دل جادوان زو پر از بیم کرد
 (۷) چو رستم بدیدش برانگیخت اسب (۸) بدو تاخت مانند آذرگشسب
- ۹- نام «هفت خان رستم» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
 (۱) نبرد با اژدها - بیابان سخت - نبرد با شیر - جادوگر - ارژنگ - اولاد - دیو سفید
 (۲) نبرد با اژدها - شیر - بیابان سخت - جادوگر - اولاد - ارژنگ - دیو سفید
 (۳) نبرد با شیر - بیابان سخت - اژدها - جادوگر - اولاد - دیو - ارژنگ - دیو سفید
 (۴) نبرد با شیر - اژدها - بیابان سخت - اولاد - دیو - جادوگر - ارژنگ - دیو سفید

- ۱۰- «معنی» کلمه‌های زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
 «نخجیر، کمند، تیغ، گردی»
 (۱) شکار، طناب، شمشیر، پهلوانی
 (۲) شکارچی، طناب، شمشیر، پهلوانی
 (۳) شکار، طناب، چاقو، پهلوان
 (۴) شکار، طناب، چاقو، پهلوانی
- ۱۱- «رابطه‌ی کلمه‌ها» در کدام گزینه متفاوت است؟
 (۱) نیرنگ و فریب (۲) دادگر و عادل
 (۳) تشنه و سیراب (۴) موفقیت و پیروزی
- ۱۲- نام شاعر کدام یک از بیت‌های زیر نادرست است؟
 (۱) گر بود اختیار جهانی به دست من می‌ریختم تمام جهان را به پای تو (ابوالقاسم حالت)
 (۲) هر گل و برگ که هست یاد خدا می‌کند بلبل و قمری چه خواند؟ یاد خداوندگار (سعدی)
 (۳) کم و گوی و گزیده گوی چون در تا ز اندک تو جهان شود پر (نظامی)
 (۴) هرگز نرسد به منزل عشق بی‌بدرقه‌ی تو کاروان‌ها (سعدی)
- ۱۳- «نهاد» کدام گزینه، درست مشخص نشده است؟
 (۱) در خان چهارم رستم با جادوگری روبه رو می‌شود.
 (۲) یکی از زیباترین بخش‌های شاهنامه، هفت‌خان رستم است.
 (۳) بدین‌سان، رستم خان دوم را نیز با موفقیت به پایان می‌رساند.
 (۴) پهلوان برای نبرد با دشمن راهی مازندران می‌شود.
- ۱۴- بیت زیر مربوط به کدام یک از «خان‌های رستم» است؟
 «سر و گوش بگرفت و یالش دلیر سر از تن بکنش به کردار شیر»
 (۱) خان چهارم، جنگ با جادوگر (۲) خان پنجم، جنگ با اولاد دیو
 (۳) خان ششم، جنگ با ارژنگ دیو (۴) خان هفتم، جنگ با دیو سفید
- ۱۵- «بیت زیر» در مورد نبرد رستم با چه کسی است؟
 «بزد تیغ و بنداخت از بر سرش فرو ریخت چون رود، خون از برش»
 (۱) جنگ با شیر (۲) جنگ با اژدها (۳) جنگ با جادوگر (۴) جنگ با دیو سفید
- ۱۶- بعد از نبرد با چه کسی، «رستم به راز و نیاز» با خداوند می‌پردازد؟
 (۱) جنگ با اولاد (۲) جنگ با دیو سفید (۳) جنگ با جادوگر (۴) جنگ با ارژنگ دیو
- ۱۷- شاهنامه در چه «قالبی» سروده شده است؟
 (۱) مثنوی (۲) قصیده (۳) غزل (۴) قطعه
- ۱۸- نقش ضمیر در کدام گزینه با بقیه فرق دارد؟
 (۱) قربان مهربانی و لطف و صفای تو (۲) این خانه، خانه‌ی تو و این دل، سرای تو
 (۳) زیرا بود رضای خدای در رضای تو (۴) سهل است اگر که جان دهم اکنون برای تو
- ۱۹- «تعداد جمله‌های» کدام گزینه، نادرست است؟
 (۱) ز بهر نیایش سرو تن بشست یکی پاک جای پرستش بجست (دو جمله)
 (۲) زهر بد تویی بندگان را پناه تو دادی مرا گردی و دستگاه (دو جمله)
 (۳) از آن پس نهاد از بر خاک سر چنین گفت: کای داور دادگر (دو جمله)
 (۴) خروشید و جوشید و بر کند خاک زسمش زمین شده‌ام چاک چاک (چهار جمله)
- ۲۰- «قافیه‌ی» بیت‌های زیر در کدام گزینه آمده است؟
 «چو رستم بدیدش برانگیخت اسب بدو تاخت مانند آذرگشسب»
 (۱) اسب، گشسب (۲) اسب، آذرگشسب (۳) برانگیخت، آذرگشسب (۴) اسب، آذر

۲۱- «نهاد» کدام گزینه حذف نشده است؟

- ۱) بزد تیغ و بنداخت از بر سرش
 - ۲) بینداخت چون باد خمّ کمند
 - ۳) چو رستم بدیدش برانگیخت اسب
 - ۴) میانش به خنجر به دو نیم کرد
- فرو ریخت چون رود خون از برش
سر جادو آورد ناگه به بند
بدو تاخت مانند آذرگشسب
دل جادوان زو پر از بیم کرد

۲۲- روان خوانی «دوستان همدل» نوشته‌ی چه کسی است؟

- ۱) غلامعلی حداد عادل
- ۲) محمدرضا سرشار
- ۳) مصطفی رحمان دوست
- ۴) قیصر امین پور

۲۳- رابطه‌ی معنایی کلمه‌های «دادگر و عادل» مانند کدام گزینه است؟

- ۱) خطا و صواب
- ۲) دستگاه و قدرت
- ۳) عدل و عادل
- ۴) قوی پنجه و ضعیف

۲۴- نقش کلمه‌های مشخص شده در حکایت در کدام گزینه آمده است؟

«یکی از امیرزاده‌ها بیمار شده بود و فکر می‌کرد گاو شده است، از دست هیچ طبیعی هم کاری بر نمی‌آمد. بوعلی گفت: مرا پیش امیرزاده ببرید اما قبلاً به او بگویید قصابی برای ذبح کردن او خواهد آمد. پس یک ساطور و چند کارد و پیش‌بند خون‌آلود قصابی برایم تهیه کنید.»

- ۱) نهاد - قید - نهاد - مفعول
- ۲) نهاد - قید - مفعول - متمم - مسند
- ۳) نهاد - قید - مفعول - نهاد
- ۴) نهاد - مفعول - قید - نهاد

۲۵- در کدام بیت، آرایه‌ی «جان‌بخشی» به اشیاء به کار رفته است؟

- ۱) به تیر و کمان و به گرز و کمند
 - ۲) چو خورشید گشت از جهان ناپدید
 - ۳) چو نزدیکی مرز توران رسید
 - ۴) چو رستم پدر باشد و من پسر
- بیفکنند بر دشت نخجیر چند
شب تیره بر دشت لشگر کشید
بیابان سراسر پر از گور دید
نباید به گیتی کسی تاجور

۲۶- نهاد کدام گزینه، «فاعل جمله» نیست؟

- ۱) رستم بار دیگر در چشمه، شست و شو می‌کند.
- ۲) رستم در خان دوم بسیار تشنه و خسته است.
- ۳) در این نبردها رستم و رخس با ازدها پیکار می‌کنند.
- ۴) رستم، ارژنگ دیو را از پای درمی‌آورد.

۲۷- در میان گروه کلمه‌های زیر، چند کلمه درست معنی نشده است؟

«گردی: پهلوانی - تیغ: نیزه - نخجیر: شکارگاه - اهریمنی: شیطانی - داور: قاضی - بدین سان: همان‌طور - قوی پنجه: دلیر - خمّ کمند: طناب بلند - چاک چاک: تکه تکه»

- ۱) ۲
- ۲) ۳
- ۳) ۴
- ۴) ۵

۲۸- جای خالی متن زیر با کلمه‌های کدام گزینه، کامل می‌شود؟

«در خان اول به او و اسبش حمله می‌آورد، پس از گذراندن خان دوم از راه می‌رسد. در خان چهارم،

رستم با روبه‌رو می‌شود و در خان پنجم، پهلوانی به نام را به بند می‌کشد.»

- ۱) شیر - ازدها - جادوگر - ارژنگ
- ۲) ازدها - شیر - جادوگر - ارژنگ
- ۳) شیر - ازدها - جادوگر - اولاد
- ۴) ازدها - شیر - جادوگر - اولاد

۲۹- در کدام گزینه «غلط املائی» به کار رفته است؟

- ۱) رستم به حيله‌گری جادوگر پی برد و برای چیره‌گی بر او از خدا یاری می‌خواهد.
- ۲) هفت‌خان نام هفت مرحله از نبردهای رستم با نیروهای اهریمنی و گذشتن از دشواری‌هاست.
- ۳) پهلوان برای نبرد با دشمن، سوار بر رخس از زابلستان راهی مازندران می‌شود.
- ۴) رستم با پشت سر گذاشتن هفت مرحله‌ی خطرناک، یاران خود را از بند دیوان نجات می‌دهد.

پاسخ‌های تشریحی



- ۱- گزینه‌ی ۲ آرایه‌ی مبالغه مخصوص شعرهای حماسی و رزمی است؛ مانند شعرهای شاهنامه.
- ۲- گزینه‌ی ۳ زیرا می‌گوید کودک نه ماهه (سهراب) مثل کودک یک ساله بود و برو بازویش شبیه بازوی رستم بود.
- ۳- گزینه‌ی ۳ از پای افتادن کنایه از خسته و ناتوان شدن است. در انداختن پیچ و تاب کمند، مبالغه شده است (آن را به سرعت باد پرتاب کرد). زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد یک ضرب‌المثل است.
- ۴- گزینه‌ی ۳ کلمه‌های (کرد و کرد) که در پایان مصراع‌ها و پس از قافیه عیناً تکرار شده‌اند، ردیف هستند.
- ۵- گزینه‌ی ۳ به تنگ آمدن، از پای درآوردن و از هفت خان رستم گذشتن در گزینه‌های دیگر کنایه هستند اما در این گزینه، کنایه‌ای به کار نرفته است.
- ۶- گزینه‌ی ۳ عبارت شش جمله است، دارای ۵ فعل است: گفتند، آموختی، گفت، می‌آمد، می‌کردم و یک فعل حذف شده (از بی‌ادبان آموختم).
- ۷- گزینه‌ی ۲ حکایت ادب لقمان برگرفته از کتاب گلستان سعدی است.
- ۸- گزینه‌ی ۲ داور دادگر مورد ندا قرار گرفته است و همراه با حرف ندا (ای) آمده است.
- ۹- گزینه‌ی ۳ هفت خان رستم عبارت است از: نبرد با شیر، بیابان سخت، نبرد با اژدها، جنگ با زن جادوگر، جنگ با اولاد دیو، ارژنگ دیو و دیو سفید.
- ۱۰- گزینه‌ی ۱ معنی کلمه‌ها به ترتیب عبارتند از: شکار، طناب، شمشیر، پهلوانی
- ۱۱- گزینه‌ی ۳ کلمه‌های نیرنگ و فریب، دادگر و عادل، موفقیت و پیروزی، مترادف هستند اما کلمه‌های تشنه و سیراب متضادند.
- ۱۲- گزینه‌ی ۴ این بیت از احمد جام است.
- ۱۳- گزینه‌ی ۲ زیرا «هفت‌خان رستم» نهاد جمله است (چه چیزی است؟ هفت خان رستم).
- ۱۴- گزینه‌ی ۳ این بیت مربوط به خان ششم و جنگ با ارژنگ دیو است.
- ۱۵- گزینه‌ی ۲ مربوط به جنگ با اژدها در خان سوم است.
- ۱۶- گزینه‌ی ۲ رستم پس از گذراندن خان هفتم (نبرد با دیو سفید) و از بین بردن او به راز و نیاز با خدا می‌پردازد.
- ۱۷- گزینه‌ی ۱ شاهنامه‌ی فردوسی در قالب «مثنوی» سروده شده است. زیرا هر بیت دارای قافیه‌ی مشترک است.
- ۱۸- گزینه‌ی ۴ «تو» در این گزینه متمم است (متمم به اسم یا ضمیری می‌گویند که پس از حروف اضافه (از- به- در- برای) در جمله قرار می‌گیرد و معنی جمله را تمام و کامل می‌کند) اما «تو» در گزینه‌های دیگر مضاف‌الیه است که با صدای کسره به اسم دیگر اضافه شده است: صفای تو، رضای تو و سرای تو
- ۱۹- گزینه‌ی ۳ بیت شامل سه جمله است، دو فعل: نهاد و گفت و یک منادا: داور دادگر
- ۲۰- گزینه‌ی ۲ کلمه‌های «اسب و آذرگشسب» که در پایان دو مصراع آمده است و دارای وزن و حروف مشترک است قافیه هستند.
- ۲۱- گزینه‌ی ۳ نهاد گزینه‌های دیگر محذوف است اما در گزینه‌ی (ج) رستم نهاد است. (چه کسی برانگیخت؟ رستم)
- ۲۲- گزینه‌ی ۲ روان‌خوانی دوستان همدل نوشته‌ی محمدرضا سرشار (رهگذر) است.
- ۲۳- گزینه‌ی ۲ کلمه‌های دستگاه و قدرت مترادف و هم‌معنی هستند، مانند کلمه‌های: دادگر و عادل، اما کلمه‌های: خطا و صواب و قوی و پنجه و ضعیف متضاد هستند و کلمه‌های: عدل و عادل هم‌خانواده‌اند.
- ۲۴- گزینه‌ی ۱ کلمه‌های یکی از امیرزاده‌ها و قصابی نهاد جمله‌ها هستند (بخشی که در مورد آن‌ها خبر داده شده است) قبلاً، قید جمله است (همه‌ی کلمه‌های تنوین‌دار عربی در زبان فارسی، نقش قید دارند) و یک ساطور، مفعول جمله است که اثر کار فاعل به آن رسیده است.

- ۲۵- گزینه‌ی ۲ شاعر به شب تیره جان بخشیده است و می‌گوید: هنگام شب بر دشت لشگر کشی کرده است.
- ۲۶- گزینه‌ی ۲ نهاد جمله (رستم) کننده‌ی کار نیست و فقط پذیرنده‌ی صفت تشنگی و خستگی است. بنابراین فاعل جمله نیست. اما در گزینه‌های دیگر، نهاد (رستم) کننده‌ی کار است و فاعل جمله نیز می‌باشد.
- ۲۷- گزینه‌ی ۳ معنی چهار کلمه نادرست است و درست آن عبارت است از: تیغ (شمشیر)، نخجیر (شکار)، بدین‌سان (این‌گونه) و خم کمند (پیچ و تاب طناب)
- ۲۸- گزینه‌ی ۳ خان اول: شیر، خان دوم: اژدها، خان چهارم: جادوگر و خان پنجم: اولاد
- ۲۹- گزینه‌ی ۱ کلمه‌ی چیره‌گی نادرست است و درست آن چیرگی است.
- ۳۰- گزینه‌ی ۱ شاعر (فردوسی) می‌گوید: در دنیا طوری زندگی کن که عاقبت به خیر شوی و پایان و فرجام خوبی داشته باشی.
- ۳۱- گزینه‌ی ۲ در هنگام خلاصه‌نویسی باید به مطالب مهم و اصلی متن اشاره کنیم و از نوشتن جزئیات چشم‌پوشی کنیم.
- ۳۲- گزینه‌ی ۳ در بیت (الف) زیاده‌روی و مبالغه دیده نمی‌شود و شاعر به سن سهراب اشاره کرده است که پهلوانی ۱۰-۱۲ ساله می‌باشد. اما در بیت‌های دیگر بزرگ‌نمایی خارج از عقل دیده می‌شود: قد و قواره‌اش از درخت سرو بلندتر است، بر و بازویش مثل فیل است، آوازش از رعد و برق غرّنده‌تر است و بازویش از شمشیر بزننده‌تر است.
- ۳۳- گزینه‌ی ۳ در عبارت ۵ ترکیب وصفی (موصوف و صفت) به کار رفته است که عبارتند از: خان دوم - بیابانی سخت - راهی دراز - جست و جوی فراوان و خان دوم. (هرگاه عدد همراه با اسم آورده شود و تعداد آن اسم را بیان کند، ترکیب وصفی از نوع صفت شمارشی می‌سازد. گاهی به عدد پسوند م اضافه می‌شود که علاوه بر تعداد، ترتیب آن اسم را هم نشان می‌دهد).
- ۳۴- گزینه‌ی ۳ سرش مفعول جمله است که اثر کار فاعل به آن رسیده است. (چه چیزی را انداخت؟ سرش) و خون نهاد فاعلی و فاعل جمله است. (چه چیزی فرو ریخت؟ خون)
- ۳۵- گزینه‌ی ۲ فعل (است) به نشانه‌ی معنایی از جمله حذف شده است. یعنی از معنی جمله بی می‌بریم که فعل حذف شده است: یک دسته گل دماغ‌پرور از خرمن صد گیاه بهتر (است).
- ۳۶- گزینه‌ی ۴ (هرچه) نهاد جمله است نه مفعول. چه چیزی ناپسند می‌آید؟ هرچه
- ۳۷- گزینه‌ی ۱ بیت (ت) مربوط به خان دوم است (نبرد با اژدها) بیت (ب) مربوط به خان چهارم است (نبرد با جادوگر) بیت (الف) مربوط به خان ششم است (نبرد با ارژنگ دیو) و بیت (پ) مربوط به خان هفتم است (نبرد با دیو سپید)
- ۳۸- گزینه‌ی ۳ شاهنامه کتابی منظوم است در قالب (مثنوی)، شامل (۶۰) هزار بیت که فردوسی برای سرودن آن (۳۰) سال وقت صرف کرد.
- ۳۹- گزینه‌ی ۲ شاعر حرکت سریع و تند رستم را به آذرگشسب (آذر تند و تیز) شبیه کرده است.
- ۴۰- گزینه‌ی ۴ در بیت‌های دیگر تشبیه به کار رفته است که عبارتند از: ۱- تشبیه تهمینه به آفتاب ۲- تشبیه ابرو به کمان ۳- تشبیه گیسو به کمند ۴- تشبیه قد به سرو ۵- تشبیه روان به خرد
- ۴۱- گزینه‌ی ۲ (را) در این بیت در معنای حرف اضافه‌ی برای و به کار رفته است و نشانه‌ی مفعول نیست: بندگان را پناهی ← برای بندگان پناه هستی و مرا گردی و دستگاه دادی ← به من دادی ...
- ۴۲- گزینه‌ی ۳ کنایه به عبارتی می‌گویند که دارای ۲ معنی دور و نزدیک است که معنی نزدیک آن مورد نظر نیست و معنی دور آن مورد نظر است، مانند: آب در هاون کوبیدن (کار بیهوده کردن)، به تنگ آمدن (خسته شدن)، دست روی دست گذاشتن (بیکار بودن) اما در گزینه‌ی (۳)، کنایه‌ای به کار نرفته است.
- ۴۳- گزینه‌ی ۳ کلمه‌های: بود و بود - نیست و نیست - تو و تو در بیت‌های دیگر که در پایان بیت عیناً تکرار شده‌اند، ردیف می‌باشند.
- ۴۴- گزینه‌ی ۴ سواری چو رستم نیامد پدید: سواری مثل رستم پدید نیامد. اما حرف چو در بیت‌های دیگر به معنی (وقتی که) است.
- ۴۵- گزینه‌ی ۴ تکلیف چیزی روشن بودن، سنگ به پا خوردن و آویزه‌ی گوش بودن در گزینه‌های دیگر کنایه هستند که معنی نزدیک آن‌ها مورد نظر نیست و معنی دور آن‌ها مورد نظر است.